



فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

راهکارهای جرم‌شناختی ملی و بین‌المللی در کاهش موقعیت‌های جرمزا در قبال بزه‌دیدگی زنان

شهرلا گلپرور^{*}، محمد نبی‌پور^۲، حسن حاجی‌تبار^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد آیت‌الله... آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شمال (آمل)، آمل، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

چکیده

وقوع جرم و خشونت بر علیه زنان و دختران، در سراسر دنیا، توجه و حساسیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را به خود معطوف داشته‌است. سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در سطوح کلان می‌توانند نقش بزرگی در زمینه جلوگیری از بزه‌دیدگی و خشونت علیه زنان و از بین بردن عوامل جرمزا ایفا کنند. افتتاح خط تلفن ثابت برای دسترسی شباهنروزی زنان خشونت‌دیده، افزایش حضور مددکاران اجتماعی در کلانتری‌ها، به کارگیری افسران زن متخصص در نیروهای پلیس و افزایش اختیارات اورژانس اجتماعی از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند در کاهش خشونت و وقوع جرم علیه زنان، در سطح ملی و بین‌المللی مؤثر باشند. مطالب این تحقیق از طریق مطالعه کتاب‌های موجود (روش کتابخانه‌ای) در این زمینه جمع‌آوری شده‌است و همچنین روش تحقیق روش توصیفی - تحلیلی است. افزایش میزان خشونت علیه زنان با توجه به آثار سوء و ماندگار آن بر روح و روان زنان خشونت‌دیده و همچنین نقش مهم و کلیدی زنان در خانواده و جامعه، ضرورت به کارگیری تدابیر و اقدامات حمایتی از زنان را بیان می‌کند. براساس یافته‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی، اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه باعث کاهش خشونت علیه زنان می‌شود. تلاش برای کاهش فرصت‌های مجرمانه و حذف وضعیت‌های مساعد ارتکاب جرم، در کار اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر خواهد بود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱-۱۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:-

تلفن:

ایمیل: Shahla_golparvar@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

وازگان کلیدی:

زنان، اقدامات، بزه‌دیدگی، جرم‌شناختی، خشونت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

که می‌توان با اتخاذ آن، از خشونت علیه زنان و بزهديده واقع شدن آنان جلوگیری کرد، پيش‌گيري است.

بنابراین زنان به‌واسطه دارا بودن از برخی خصوصیات، که آنان را به بزهديده بالقوه تبدیل می‌سازد، نیازمند حمایت و پيش‌بینی راهکارهایی جهت کاهش و یا حذف عوامل جرمزا هستند. در دنیای امروزی، بخش بزرگی از جمعیت را زنان و دختران تشکیل می‌دهند و شاهد افزایش چشمگیر حضور این قشر در عرصه‌های گوناگون، از جمله عرصه‌های اجتماعی و علمی هستند.

۱- خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان عواقب و پیامدهایی جدی برای سلامتی و رفاه آن‌ها به‌همراه دارد. وخیم‌ترین نتیجه خشونت علیه زنان مرگ است. هرچند خشونت با طیف وسیعی از مشکلات سلامت جسمی، روانی، جنسی و باروری کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت، برای قربانیان، همراه است، اما خشونت علیه زنان بر سلامت روح، روان و جسم فرزندان آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد.

خشونت می‌تواند خطر مصرف سیگار، الكل و مواد مخدر را افزایش دهد و موجب شیوع بیماری‌های روانی تا مرز خودکشی یا حتی خودکشی، بیماری‌های مزمن (مانند بیماری‌های قلبی، دیابت و سرطان)، بیماری‌های عفونی (مانند ایدز) و مشکلات اجتماعی (مانند جرم و خشونت بیشتر) شود. پیامدها و عوارض جانبی روانی، جنسی و بهداشتی ناشی از خشونت علیه زنان، در تمام مراحل زندگی آن‌ها، اثرگذاری خود را حفظ می‌کند.

۱-۱- مفهوم خشونت و انواع آن

خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه اقدام به خشونت مبتنی بر جنسیت، که منجر به تهدید، اجبار با محرومیت و محدودیت خودسرانه در آزادی، زندگی عمومی یا زندگی شخصی و خصوصی زنان می‌شود. به عبارت دیگر، هرگونه آزار روانی، عاطفی، کلامی و همچنین آزار اجتماعی و اقتصادی یا ایجاد محدودیت در روابط اجتماعی یا سخت‌گیری اقتصادی، نادیده گرفتن ظرفیت و توانایی زنان، آزار جسمی و درنهایت آزار جنسی، همگی، مصادیقی از خشونت علیه زنان است که باید با آن‌ها مقابله کرد. خشونت علیه زنان انواع مختلفی دارد و در اشكال متعدد فیزیکی، جنسی، روانی، کلامی و احساسی بروز می‌کند. خشونت فیزیکی به شکل ضرب و شتم تا قتل و

اگرچه زمینه رشد و پیشرفت زنان در عرصه‌های اجتماعی، در تمامی کشورها تقریباً فراهم شده است، اما این مسأله موجب ایجاد زمینه‌های جدیدی از انواع بزهکاری و بزهديده‌گی زنان نیز می‌شود. از آنجا که زنان نقش حساسی را در جامعه ایفا می‌کنند، خشونت علیه زنان و آسیب‌پذیری آن‌ها نه تنها خانواده، بلکه جامعه را نیز با بحران و آسیب‌های جبران‌ناپذیری مواجه خواهد ساخت. لذا لازم است جهت جلوگیری از این پیامدها، تدبیری اندیشیده شود. خشونت علیه زنان بیشترین میزان جرائم علیه زنان را به خود اختصاص داده است. براساس یافته‌های بعضی تحقیقات، بالاترین میزان بزهديده‌گی زنان در جرائم خشونت‌آمیز است. آشکال خشونت در هر جامعه‌ای، با ساختار دینی، سنتی، قانونی و سیاسی همان جامعه تناسب دارد. خاتم چوبک، در نخستین کارگاه آموزشی خشونت علیه زنان اظهار داشت که خشونت علیه زنان در انواع مختلف مادی، معنوی، جسمی و جنسیتی اعمال می‌شود و متأسفانه دامنه این خشونتها وسعت گرفته است (مولادردی، ۱۳۷۹: ۱۳۰). در سال ۱۹۹۳، برای اولین بار، جامعه بین‌المللی حقوق بشر خشونت علیه زنان را به عنوان یکی از موارد نقض بین‌المللی حقوق بشر به‌رسمیت شناخت. «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان» اولین سند بین‌المللی‌ای است که منحصراً به خشونت علیه زنان پرداخته است. بزهکار شخصی حساب‌گر است که قبل از ارتکاب عمل مجرمانه، تمام ریسک و خطرات و نفع حاصل از عملی ساختن جرم را می‌سنجد و در جستجوی آماجی است که خطر و هزینه پایین و منفعت حاصل از جرم بالایی را برای او داشته باشد. از این‌رو زنان به‌دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، افراد بالقوه آسیب‌پذیری هستند که آماج مطلوبی برای این بزهکاران هستند. پس باید با تغییر شرایط و وضعیت زنان و اتخاذ اقدامات مناسب، هزینه کیفری و خطر ارتکاب جرم را برای این مجرمان بالا برد و سود به‌دست‌آمده را پایین آورد و بدین طریق آن‌ها را از ارتکاب عمل مجرمانه نسبت به زنان منصرف کرد و درنتیجه ضریب بزهديده‌گی زنان را کاهش داد. از آنجا که زنان نقش بسیار مهم و مؤثری در خانواده و جامعه دارند، بزهديده‌گی آن‌ها می‌تواند تبعات شدیدی را به‌دبیال داشته باشد. پس باید با به‌کارگیری تدبیر و روش‌های مفید، از بزهديده واقع شدن این گروه کاست و در صورت بزهديده شدن، آن‌ها را از حمایت‌های کافی برخوردار کرد. یکی از روش‌هایی

زنان را از بزه‌دیده واقع شدن رهانید. این پیش‌گیری در برگیرنده تدابیری است که زنان را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از این‌که آماج مناسبی برای ارتکاب عمل مجرمانه و جرم باشند محافظت می‌کند و آن‌ها را مصون می‌دارد. در اینجا به برخی از این تدابیر اشاره می‌کنیم.

۱-۲- پرهیز زنان از حضور در مکان‌های جرمزا

مجرمان برای عملی ساختن انگیزه مجرمانه خود، به‌دبیال فرصت مناسب و مکان و زمانی هستند که این فرصت را در اختیار آنان بگذارد. بعضی مکان‌ها و زمان‌ها زمینه بیشتری را برای بزه‌دیده شدن مهیا می‌سازند و میزان بزه‌دیدگی افراد را بالا می‌برند، مرتکبان برای ارتکاب جرم، به‌دبیال مکان‌هایی هستند که کمترین خطر دستگیری و بیشترین منفعت حاصل از جرم را برای آن‌ها داشته باشد. آنچه مسلم است این است که مجرمان در انتخاب مکان، بسیار حساب‌گرانه عمل می‌کنند و مکان‌هایی را برای عملی ساختن انگیزه مجرمانه خود انتخاب می‌کنند که امنیت بیشتری در آن‌ها دارند و با ارتکاب جرم، منفعت بیشتری را به‌دست آورند. برخی زمان‌ها و مکان‌ها برای وقوع بزه، از موقعیت بهتری برخوردارند؛ مثلًا شب‌ها و روزهای تعطیل (مانند جمعه‌ها و تابستان که مردم به مسافرت می‌روند) و همچنین خرابه‌ها، ساختمان‌های قدیمی متروکه یا خیابان‌ها و کوچه‌های تاریک برای سارقان و کیف‌قلپ‌ها زمان‌ها و مکان‌های بسیار مناسبی هستند (میرخیلی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). برخی تحقیقات، انجام‌شده نشان می‌دهند که بزه‌دیدگی زنان، به‌ویژه در موارد خشونت‌بار، در غروب و ساعات نخستین یا پایانی شب و نیز در تعطیلات آخر هفته، در خیابان‌ها یا دیگر مکان‌های عمومی، بیشتر تکرار می‌شود. الگوهای این قبیل فعالیت‌ها، به‌خصوص زمان فعالیت‌های خارج از منزل، تأثیر زیادی در ایجاد و افزایش فرصت‌های بزه‌دیدگی دارد. این نوع بزه‌دیدگی، به‌ویژه موارد همراه با تهدید و ضرب و جرح، با افزایش و فراوانی معینی در آن‌ها، بر میزان وقوع بزه‌دیدگی تأثیر می‌گذارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۲۵۹). برای مثال، زنانی که در شب و به‌نهایی، در مکان‌های خلوت قدم می‌زنند احتمال خشونت علیه خود را افزایش می‌دهند. بنابراین تغییر شرایط و وضعیت در زمان‌ها و مکان‌های جرم‌خیز و مدیریت مطلوب آن‌ها می‌تواند به میزان قابل توجهی، در کاهش بزه‌دیدگی مؤثر باشد. اقداماتی مثل نظارت بر این مکان‌ها، افزایش نور در خیابان‌های تاریک، اجتناب از حضور زنان در مکان‌ها و زمان‌هایی که

هر نوع رفتار تهاجمی است. خشونت و آزار و اذیت جنسی شامل تجاوز جنسی، آزار و اذیت خیابانی، آزار و اذیت سایبری، ختنه کردن زنان و قاچاق آن‌ها به منظور برده‌داری و استثمار جنسی است. نمونه خشونت روانی به صورت بدرفتاری روانی دیده می‌شود. خشونت روان‌شناختی یکی از لایه‌های پنهان خشونت علیه زنان است. خشونت کلامی به شکل فریاد، قلدری، تحقیر و توهین ظهور و بروز می‌یابد. در حال حاضر، مخفی کردن خشونت‌های اعمال شده علیه زنان و عدم گزارش آن به پلیس و دستگاه‌های قضایی، آشکار نشدن وسعت این مسئله و آسیب‌های ناشی از آن و عدم درک اهمیت این مسئله یک معضل اجتماعی است. شکستن سکوت و معارض شدن دربرابر رفتارهای خشونت‌آمیزی که باعث آزار زنان می‌شود می‌تواند اولین گام مبارزه با این معضل باشد. تبیین و انتشار انواع خشونت‌های اعمال شده بر زنان می‌تواند توجه سیاست‌گذاران، مقامات اجرایی، کارشناسان و رسانه‌های جمعی را به مسئله خشونت علیه زنان جلب کند و مبارزه با آن را در دستور کار قرار دهد (معظمی، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۴۵). خشونت علیه زنان در دو حوزه خصوصی و عمومی رخ می‌دهد. برای مثال، در یک دیدگاه سنتی معتقدند خدا زن را برای شوهرداری و تربیت کودکان و خانه‌داری آفریده است (اشرافی، ۱۳۸۵: ۱۰). خشونت بر زنان، حتی قبل از تولدشان شروع می‌شود: سقط جنین دختر نخستین خشونت بر زن است که نوعی خشونت مبتنی بر جنسیت است. خشونت علیه زنان انواع مختلفی دارد، از جمله خشونت جسمی، خشونت روحی، خشونت جنسی و خشونت نسبت به زنان، آثار زیان‌بار جسمی، روحی، اجتماعی و ... را به‌دبیال دارد. به‌واسطه تأثیری که خشونت در وهله اول، بر شخصیت مادر دارد، خشونت ممکن است به‌طوری ظریفتر، بر کودک تأثیرگذار باشد. در خانواده‌های خشن، کودکان نیز ممکن است مورد بدرفتاری قرار گیرند. کودکان بارها در هنگام دفاع از مادرانشان کتک می‌خورند و مجرح می‌شوند (Heise, 1994: 255).

۲- حذف مکان‌های جرمزا

مجرمان به‌دبیال وضعیت و موقعیتی هستند که خطر کمتری برای آنان داشته باشد. زنان به‌دلیل این‌که می‌توانند مجرمان را به خواسته‌هایشان برسانند، آماج مناسبی برای بزه‌کاران هستند. بنابراین می‌توان با به‌کارگیری تدابیر، وضعیت‌ها و موقعیت‌های مناسب ارتکاب جرم را از بزه‌کاران بالقوه گرفت و

انگیزه مجرمان احتمالی بسیار مؤثرند. بنابراین اگر بزهديدگان احتمالی تغییراتی در کردار و گفتار خویش به وجود آورند، می‌توان به کاهش سوسه و انگیزه در بزهکاران امیدوار بود (نیازپور، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۱۹۹). بدلیل ویژگی‌های خاص زنان بزهديدگه، وضعیت تأثیرگذار بر بزهديدگی آنان از تنوع و گستردگی فراوانی برخوردار است. در بسیاری از موارد، ویژگی‌های زیستی و روانی زنان با بزهديدگی آنان مرتبط است. در کنار عوامل زیستی‌شنختی، نظیر سن، ضعف روانی و ذهنی، می‌توان از جنسیت نیز به عنوان یکی از عوامل مهم در آسیب‌پذیری زنان نام بُرد. جذابت زنان به دو طریق می‌تواند احتمال بزهديدگی آنان را افزایش دهد: یکی در دسترس بودن زنان و این که از لحاظ مکانی، قابلیت دسترسی به آماج جذاب فراهم می‌شود و دیگری از جهت خودآرایی و خودنمایی. زنان و دختران جوان علاقه زیادی دارند که زیبایی‌های خود را به نمایش بگذارند و با آن خودنمایی کنند. جاذب بودن زنان یکی از فاکتورهای اساسی انتخاب آن‌ها توسط بزهکار محسوب می‌شود. زنان بهدلیل خصوصیات جسمانی و روانی متمایز از مردان، استعداد ناخودآگاهی برای بزهديده شدن دارند و آماج آسیب‌پذیری در مقابل انواع جرائم هستند.

۳- لزوم تأسیس مراکز حمایتی از زنان

یکی دیگر از تدبیر برای پیش‌گیری از بزهديدگی زنان و کاهش خشونت، ایجاد نهادها و مراکزی است که فقط برای زنان باشد و به مشکلات و مسائل آنان رسیدگی کند یا زنان در آن مراکز بتوانند چند ساعتی را برای رسیدن به آرامش و حس امنیت سپری کنند، مراکزی مانند پارک‌ها و ورزشگاه‌های ویژه زنان، بازارچه‌های اختصاصی، مراکز اشتغال خاص زنان و پلیس ویژه زنان.

۴- حذف قلمرو مردسالارانه در مراکز پلیس و به کارگیری افسران زن در نیروهای پلیس

یکی از راه حل‌های مناسب برای پیش‌گیری وضعی و کاهش بزهکاری و بزهديدگی زنان، دایر کردن واحدهای ویژه پلیس زنان از میان زنان آموزش‌دهیده و تحصیل‌کرده است. زنان در میان افراد تشکیل‌دهنده یک جامعه، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری هستند. جذب و استفاده از پلیس زن می‌تواند راهبردی مناسب برای جلوگیری از آسیب‌پذیری بیشتر این قشر خاص از جامعه باشد. یکی از مشکلات پلیس در برابر جرائم خشونت‌آمیز

احتمال بزهديدگی آنان را افزایش می‌دهد و یکی از راه‌ها برای ازبین بردن موقعیت‌های جرم‌زا، اقدامات پیش‌گیرانه است که در این راستا می‌توانند مفید واقع شود.

۵- جاذبه‌زدایی از جرم

حفظ و تقویت آماج‌های جرم برای افزایش امنیت این آماج‌ها و پیش‌گیری از بزهديدگی آن‌هاست، چون هرچه حفاظت از آنان بیشتر باشد، میزان خطر و هزینه کیفری جرم را برای بزهکار بالا می‌برد و درنتیجه مجرم را از ارتکاب جرم منصرف می‌کند. بزهديدگان احتمالی باید تدبیری اتخاذ کنند که مرتكبان احتمالی را به تلاش بیشتری برای ارتکاب جرم وادار کنند. جذابت آماج‌ها باعث می‌شود تا برخی از بزهکاران احتمالی برای ارتکاب جرم، انگیزه پیدا کنند. پس می‌توان با استفاده از روش‌های موقعیت‌مدار، از جذابت آن‌ها کاست و با کاهش و ازبین بردن جذابت آماج‌ها، فرصت‌های ارتکاب جرم را از بزهکار گرفت. آماج‌های حفاظت‌نشده نه تنها باعث می‌شوند تا مجرمان حرفه‌ای آن‌ها را بر آماج‌های حفاظت‌شده ترجیح دهند، بلکه انگیزه ارتکاب جرم را در مجرمان غیرحرفه‌ای و افراد غیر مجرم دارای زمینه مجرمانه ایجاد می‌کنند و نسبت‌به ارتکاب جرم و سوسه می‌شوند. در این راهبرد، دو هدف دنبال می‌شود: هدف اول کاهش سوسه‌های مجرمانه و جلوگیری از ایجاد انگیزه در افراد است (که با محافظت از آماج‌ها و سخت و دشوار کردن دسترسی به آن‌ها محقق می‌شود) و هدف دوم دشوار یا ناممکن ساختن وقوع عمل مجرمانه است (که با استفاده از این شیوه به دست می‌آید) (غافلی، ۱۳۸۹: ۱۹۷). در جرائم علیه زنان، از جمله جرائم خشونت‌آمیز و جرائم جنسی، مقاوم کردن و کاهش عوامل تحریک‌آمیز باید بیشتر توسط خود بزهديده بالقوه انجام شود. با مقاوم کردن و ایمن‌سازی آماج جرم، از وقوع جرم و بزهديده شدن هدف جلوگیری می‌شود، زیرا همه افراد و همه اموال بزهديده احتمالی‌اند؛ یعنی استعداد بزهديده واقع شدن را دارند و برای جلوگیری از تبدیل شدن آنان به بزهديده واقعی، شناسایی و حمایت از آنان ضروری است (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

جادبه‌زدایی یعنی تدبیری که ناظر به کاهش یا حذف منافع موردنانتظار مجرمین است، مثلاً خودداری از رفت‌وآمد با جیب‌های پر از پول. اگر بزهکاران منافع احتمالی را اندک ببینند، از عملی کردن طرح خود منصرف می‌شوند (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). گاهی بزهديدگان و شرایط پیرامونی جرم در برانگیختن

میان بگذارند که از نظر روحی، به آنان نزدیک باشند و در کنند. پلیس زن، به دلیل وجود ارتباط عاطفی‌ای که می‌توانند با زنان بزه‌دیده داشته باشند، زنان را آرام می‌کنند و این نقش را به خوبی ایفا می‌کنند. در عرصه فرامی، یکی از ابتکاری‌ترین اقدامات در این زمینه، راه حلی است که برزیل اتخاذ کرده است. در سال ۱۹۸۵، در شهر سائوپائولو، یک قرارگاه پلیس ویژه، با وظیفه مقابله با مشکلات مربوط به خشونت علیه زنان دایر شد. این قرارگاه، که تمام کارمندان آن را زنان تشکیل می‌دادند، به رسیدگی به شکایت زنان و انواع خشونت علیه آنان اختصاص یافت. در عرصه ملی نیز آموزش پلیس زن در ایران، از سال ۱۳۴۵ آغاز شد و در سال ۱۳۴۸، اولین فارغ‌التحصیل‌های افسران زن از دانشکده افسری پلیس، رسماً کار خود را در شهرهای آغاز کردند. اما با انقلاب سال ۵۷، آموزش زنان در دانشکده افسری پلیس متوقف شد و بالآخره در سال ۱۳۷۷، با اصلاح تبصره ۲۰ مقررات استخدامی ناجا، استخدام زنان در نیروی انتظامی بلامانع اعلام شد (شاپیگان، ۱۳۸۴: ۱۰۴). ایجاد کلانتری‌های پلیس مخصوص بانوان واکنش مناسبی نسبت به افزایش خشونت علیه زنان بود تا این راه، به بزه‌دیدگان زن کمک شود، چراکه زن بزه‌دیده اگر در اداره پلیس با یک زن مواجه شود راحت‌تر می‌تواند مسائل خود را مطرح کند و به راحتی از خدمات حمایتی بهره‌مند شود. فرمانده نیروی انتظامی، با تأکید بر حضور پلیس زن در صحنه‌های تخصصی مأموریت ناجا، بیان کرد: «یکی از وظایف اصلی پلیس زن احراق حقوق زنان در جامعه است. در گذشته، زنان وقتی با مشکل روبرو می‌شدند، از بیان آن با پلیس مرد خودداری می‌ورزیدند، ولی اکنون با حضور پلیس زن می‌توانند به راحتی مشکل خود را بازگو کنند.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۵) موارد زیادی مشاهده شده‌است که زنان بزه‌دیده‌ای که جهت شکایت یا پیگیری، به مراجع قضایی، اعم از کلانتری و دادگاه، مراجعت می‌کنند بزه‌دیدگی مضاعفی را تحمل می‌کنند. عدم حساسیت یا گاهی بی‌تفاوتو پلیس یا ضابطان دادگستری و حتی قضات نسبت به جرائم اعمال شده به زنان، بی‌احترامی به زنان آسیب‌پذیر در روند فرایند کیفری و تلاش برای منصرف کردن آن‌ها به ترک تعقیب یا رضایت و سازش، از دلایل آن است (نجبران و دیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۸۱). ورود زنان به قلمرو مردانه پلیس، حتی در نظامهای پلیسی توسعه‌یافته، همواره با مشکلاتی مانند عدم پذیرش ازوی همکاران مرد روبرو

و جنسی، معطوف به جنسیتِ مأموران است چراکه بیشتر افراد متشکل از مردان هستند. در این باره، برخی از مددکاران آر ANSI‌های رفاهی ابراز می‌کنند که مردان و نیز پلیس‌های مرد از درک نیازهای شخصی بزه‌دیدگان زن و آنچه که یک کمک مؤثر محسوب می‌شود بی‌بهره هستند، زیرا مردان هرگز این نوع از وحشت را تجربه نمی‌کنند و بنابراین چگونه می‌توانند درک کنند که یک زن در چه احساس و موقعیتی قرار دارد؟ (معتمدی‌مهر، ۱۳۸۰: ۲۶۲) پلیس زن مفهومی است که در ادامه حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و افزایش بزه‌کاری و بزه‌دیدگی آنان، ازوی سازمان‌های پلیسی برخی از کشورهای جهان به وجود آمد تا این راه بتوانند به زنان و کودکان بزه‌دیده، خدمات حمایتی ارائه دهند و در موارد لزوم نیز امنیت آنان را تأمین کنند (رجی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). وجود پلیس زن آموزش دیده از خصوصیات ساختار پلیسی در جامعه‌ای است که حمایت از زنان در آن ارزش و جایگاه بلندی دارد. در بیشتر جوامع، افکار مردسالارانه حاکم است که این حاکمیت می‌تواند به عنوان مانع سر راه حمایت‌های پیش‌گیرانه از زنان باشد. در چنین فضایی، کمبود نیروهای زن آموزش دیده نیز بر این موضع می‌افزاید. وجود چنین نیروهایی فضای باعتمادی را برای زنان فراهم می‌کند و آرامش و امنیت را برای زنان ایجاد می‌نماید. استفاده از نیروهای زن در تشکیلات پلیسی، حس همدردی با زنان بزه‌دیده، که همجنس خودشان هستند را تقویت می‌کند و آنان را از مشکلات و معضلات خاص زنان آگاه می‌کند و به شکل بهتری، اعتماد لازم میان دستگاه پلیس و زنان بزه‌دیده را ایجاد می‌کند، زیرا از دیو زنان در معرض بزه یا بزه‌دیده، تشکیلات پلیسی مردم‌محور، در ذهن زنان، یک نظام مردسالار را تداعی می‌کند که زن و حمایت از او هیچ جایی در آن ندارند و زنان خیلی سخت به این تشکیلات اعتماد می‌کنند و این یکی از دلایل عدمه در بی‌میلی زنان، برای کمک از این نیروهای پلیس، به محض وقوع جرم یا تهدید به آن است. از آنجا که زنان در بسیاری از جرائم، از جمله جرائم جنسی، از گزارش بزه به پلیس‌های مرد، به خاطر شرم و خجالت، خودداری می‌کنند و در خیلی موارد، پلیس‌های مرد نمی‌توانند با این زنان، حس همدردی داشته باشند و یا برخورد شایسته‌ای با این زنان صورت نمی‌گیرد، زنان ممکن است یک بزه‌دیدگی را دوباره نیز تجربه کنند. روحیه حساس زنان و آسیب‌پذیری آنان اقتضا می‌کند تا بزه‌دیدگی و مسائل خود را با افرادی در

است. نظریه انتخاب عقلانی بیان‌گر آن است که ارتکاب رفتار مجرمانه ناشی از انتخابی است که توسط مجرم انجام می‌شود، کسی که در صدد یک منفعت اقتصادی، جنسی یا سایر منافع است، مانند سوءاستفاده و تحکم بر دیگران (مثل سوءاستفاده از یک زن یا یک بچه). براساس این نظریه، سبب اولیه جرم جذب منفعت است. این منفعت طلبی، به عنوان یک وضعیت مستمر، ممکن است توسط هر شخص قادر به قانون، در هنگام مواجهه با مجموعه‌ای از فرصت و وسوسه، ظهور یابد (Clarke, 1989: 5). نظریه شیوه و سبک زندگی منسوب به فرد سن و هیندلانگ می‌باشد. آن‌ها در پی فهم این امر بودند که چرا بعضی گروه‌های خاص از افراد، بیشتر از سایرین در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند؟ هرچقدر یک فرد شیوه زندگی بازتری داشته باشد (یعنی فعالیت‌های شغلی و تفریحی و اوقات فراغتش بیشتر باشد)، احتمال بزه‌دیده شدن او نیز بیشتر است. طبق این نظریه، هرچقدر یک شخص با افراد بزهکار یا محیط‌های مجرمانه یا خطرناک یا در زمان‌های خطرناک رفت‌وآمد بیشتری داشته باشد، امکان بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۸۳). برای مثال، زنانی که بیشتر اوقات خود را در بیرون می‌گذرانند یا در مجاورت و رفت‌وآمد با اشخاص بزهکار هستند و همچنین سوار خودروهای شخصی می‌شوند احتمال بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند. در برخی موارد، پوشش نامناسب زنان در محیط‌های پر خطر و مجاورت با افراد مجرم نیز میزان بزه‌دیدگی آن‌ها را افزایش می‌دهد. تا به امروز، پژوهشگران نشان داده‌اند که بزه‌دیدگان به‌دلیل برخی ویژگی‌های خود، دست‌کم تا حدی دربرابر بزه‌دیدگی‌شان مسؤولیت دارند. ویژگی نظریه مذکور این است که بزهکاری را به بزه‌دیده منتقل می‌کند و از دیدگاه بزه‌دیدگان، آن را مورد بررسی قرار می‌دهد، به این معنی که چه خصوصیاتی در بزه‌دیده او را هدف جرم قرار داده است؟ پس می‌توان گفت در این نظریه‌ها، قسمت عمدی از محاسبه بزهکار، براساس سن، شغل و هویت اجتماعی بزه‌دیده شکل می‌گیرد. براساس نظریه خصوصیات زندگی روزمره، بزهکاری و بزه‌دیدگی در ارتباط با طبیعت خصوصیات زندگی روزانه در رفتار انسان است. برای مثال، زنی که شب‌هنجام در خیابان‌ها قدم می‌زند این خطر را (که ممکن است هدف خشونت قرار بگیرد) افزایش می‌دهد. فعالیت در بعضی مشاغل، زمینه بزه‌دیدگی زنان را دو چندان می‌کند و زنان درگیر در این مشاغل، بیشتر از سایرین،

بوده است (مهراء، ۱۳۸۳: ۱۸۵). برخی ریشه مقاومت دربرابر اشتغال به کار پلیس زن را در پدرسالار بودن جامعه می‌دانند. افزون بر این موانع فرهنگی، عده‌ای بر این عقیده‌اند که برخی از وظایف پلیس برای افسران زن مناسب نیست یا دیدگاه دیگری بر این باور است که حضور زنان انسجام و یکپارچگی مردانه حاکم بر سازمان پلیس را تضعیف می‌کند و مشارکت زنان در این حوزه، امنیت مردان پلیس را در معرض تهدید قرار خواهد داد (مهراء، ۱۳۸۳: ۱۸۵). اما تحقیقات وسیع نشان داده است که نیروی پلیس زن، صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که در ساختار زیستی و روش‌های سازگاری با اجتماع و حرفة پلیس با مردان دارند، می‌توانند همانند مردان پلیس به خوبی از عهده انجام مأموریت‌های پلیسی، در زمینه برقراری نظم و امنیت، مبارزه با جرم و ارائه خدمات امنیتی و انتظامی موردنیاز جامعه برآیند (Feinmann, 1986: 95).

۴- تأثیر و سبک زندگی زنان در خشونت علیه آنان

شیوه و سبک زندگی زنان در دنیای امروز، یک عامل محرك‌زا در وقوع جرم نسبت به آن‌هاست. به عبارت دیگر می‌توان گفت نحوه زندگی زنان و دختران یکی از علل قربانی شدن آن‌ها در جرائم است.

مفهوم سبک زندگی از مفاهیمی است که در نیمه دوم سده بیستم، مورد توجه جدی جامعه‌شناسان قرار گرفت. در بحث از کنش‌های پیش‌گیرانه در سیاست جنایی، مسئله سبک زندگی دارای اهمیت بالایی است، زیرا به نظر می‌رسد در صورت غفلت از سبک زندگی، اجرای سیاست‌های جنایی در مبارزه با جرم و انحراف، دچار چالش‌هایی خواهد شد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۵). بعضی از پژوهشگران، از جمله هایدلانگ^۱، معتقد بر تأثیر شیوه و سبک زندگی بزه‌دیدگان بر ارتکاب جرم‌اند، به‌گونه‌ای که روش و سبک زندگی افراد آن‌ها را در موقعیت‌های خطرساز قرار می‌دهد، آن‌چنانکه سبک زندگی افراد زمینه حضور آن‌ها در مناطق و محله‌های پر خطر و تماس بیشتر با بزهکاران احتمالی را فراهم می‌آورد. این حضور باعث می‌شود فرصت‌های بیشتری در اختیار بزهکاران احتمالی قرار گیرد و درنتیجه احتمال بزه‌دیدگی افراد افزایش یابد (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۸۷). نظریه شیوه زندگی از نظریه‌های انتخاب عقلانی

امکان‌پذیر نیست، بلکه دولت باید شرایط و فرصت‌های ارتکاب جرم را قبل از وقوع آن ازبین ببرد. نظارت و کنترل توسط نهادهای رسمی، قسمتی از اقدامات پیش‌گیرانه است که می‌تواند در کاهش بزهديگی و بزهکاری مؤثر باشد. این مراقبت را پلیس محقق می‌کند تا با بهره‌گیری از پوشش رسمی، با استفاده از دیگر وسیله‌ها، مجرمان احتمالی را بررسانند و آنان را از ارتکاب جرم منصرف کنند (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۹۶). یکی از روش‌های مقابله و مبارزه با جرائم استفاده از نیروهای پلیس در پیش‌گیری از جرم است. پلیس باید نیرو و توان عمدہ‌اش را برای جلوگیری از وقوع جرم صرف کند، اما وظیفه اصلی پلیس مبارزه کیفری و سرکوب‌گرانه با بزهکاران و مجرمان تلقی می‌شود. این اندیشه جا افتاده است که پلیس فقط باید به مبارزه سرکوب‌گرانه با مرتكبان جرم پردازد. در کشورهای مختلف، برای پلیس، نقش مهمی در پیش‌گیری از جرائم قائل هستند. بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹، «پیش‌گیری از وقوع جرائم» را از وظایف نیروی انتظامی شمرده‌است. وقتی پیش‌گیری از جرم صورت گیرد، از بزهديده شدن افراد نیز جلوگیری می‌شود. حضور مؤثر و فعلی پلیس و گشت‌های پلیس در سطح شهرها، خیابان‌ها، محله‌ها، پارک‌ها و نواحی شلوغ شهری، در کاهش جرائم، بهویژه جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد، تأثیر مهمی می‌گذارد و سبب کاهش جرائم می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

۵-۲-۵- ازبین بردن موقعیت‌ها و فرصت‌ها برای انجام جرم
هرگونه افزایش خطر یا دشواری ارتکاب جرم باعث کاهش احتمال انتخاب مجرمانه توسط مجرمان می‌شود و تغییر در شرایط محیط، عامل موثری در کاهش جرم محسوب می‌گردد. یکی از اهداف پیش‌گیری برهم زدن موقعیت و فرصت مناسب بزهديگی است. شرایط و وضعیت باید به‌گونه‌ای طراحی و سازماندهی شوند که فرصت ارتکاب جرم از بزهکار گرفته شود و درنتیجه بزهديگی محقق نشود. یکی از این تدبیر ازبین بردن شرایط محیطی مناسب ارتکاب جرم است. محیط نقش مهمی را در پیش‌گیری از جرم ایفا می‌کند. برای وقوع جرم، وجود سه عنصر بزهکار بالقوه، قربانی آسیب‌پذیر و محیط مناسب ضروری است. روشن است که محل وقوع جرم تأثیر زیادی بر هریک از دو عنصر دیگر دارد. یک طراحی محیطی ویژه یا شرایط فیزیکی خاص، هم می‌تواند وقوع جرم را افزایش

در معرض بزهديده شدن هستند. زنانی که به عنوان دستفروش و فال‌گیر، در چهارراه‌ها و خیابان‌ها مشغول فعالیت هستند، علاوه‌بر ایجاد بسترها مناسب برای خودفروشی، فحشا، سرقت، اعتیاد به مواد مخدر و پخش مواد، از نظر اجتماعی نیز در معرض آسیب‌های وحیمی مثل افتادن در دام افراد و گروه‌های تبهکار هستند (اردبیلی، ۱۳۷۶: ۱۸). سبک زندگی زنان منحرف (معتاد، روپی و قواد)، بهویژه خطر تعدی، بزهديده شدن آن‌ها را تداعی می‌کند. این‌گونه فعالیت‌ها ممکن است زنان مبادرت‌کننده را در زمان‌های خطرناک و به مکان‌های خطرناک هدایت کند و آن‌ها را در موقعیت‌های خطرناک، با افراد خطاکار درگیر سازد (علاسووند، ۱۳۹۱: ۱۶۵). شیوه زندگی نادرست زنان، که بزهديده بالقوه هستند، می‌تواند توجه بزهکاران را به خود جلب کند. اصلاح سبک زندگی و شیوه فعالیت زنان می‌تواند گامی مؤثر در پیش‌گیری باشد. بنابراین شیوه زندگی زنان فرسته‌های مناسبی را برای بزهديگی آن‌ها ایجاد می‌کند که می‌توان با تغییر سبک زندگی این افراد، از ایجاد وضعیت‌ها و موقعیت‌های مساعد بزهديده شدن زنان کاست و جلوگیری کرد.

۵- اقدامات نظارتی برای کاهش وقوع جرم

بزهکاران همواره به‌دبیال این هستند که هزینه کمتری را برای ارتکاب جرم پردازند و از راههای کم‌خطرتری برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند و درنهایت به‌دبیال آماج‌هایی هستند که هزینه و خطر کمتری به‌همراه داشته باشند. زنان، بهدلیل ویژگی‌های خاصی که دارند، آماجی مطلوب هستند. پس استفاده از اقدامات نظارتی برای پرهزینه کردن و پرخطر کردن ارتکاب جرم می‌تواند اقدامی مؤثر برای منصرف کردن این بزهکاران حساب‌گر و جلوگیری از بزهديگی زنان باشد. با توصل به این اقدامات، که هم توسط نهادهای رسمی و هم غیررسمی صورت می‌گیرند، می‌توان احتمال بزهديگی افراد آسیب‌پذیری مثل زنان را کاهش داد. البته باید به این نکته توجه کرد که کنترل و نظارت به‌گونه‌ای نباشد که به معنای مداخله در زندگی خصوصی افراد تلقی شود. در ادامه، به توضیح این اقدامات می‌پردازیم.

۱- نظارت رسمی

وظیفه حفظ نظم و امنیت افراد و جامعه بر عهده دولت است. دستیابی به این هدف، تنها با توصل به شیوه‌های کیفری

طراحی کرد که مجرم سود حاصل از عمل مجرمانه را غیرقابل صرفه و دستنیافتنی تصور کند.

سه اصل مهمی که در جلوگیری از وقوع جرم، از طریق معماری و شهرسازی مؤثرند عبارت‌اند از:

الف- در معرض دید قرار دادن مکان‌های جرم‌زا؛

ب- حفاظت از ورودی‌ها و خروجی‌ها؛

ج- افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم.

الف- در معرض دید قراردادن مکان‌های جرم‌زا

در معرض دید و روئیت قرار دادن فضاهای باعث می‌شود تا انگیزه مجرمانه فرصتی برای ظاهر شدن نداشته باشد و احتمال شناسایی و دستگیری مانع از این می‌شود که بزهکار انگیزه ارتکاب جرم را عملی سازد.

برخی مناطق، به‌طور طبیعی، دارای قابلیت دید زیادی هستند، در حالی که سایر مناطق، مانند خیابان‌های کم‌نور و کوچه‌های بن‌بست، ممکن است چنین قابلیتی را نداشته باشند. اگر مجرمان بالقوه گمان کنند که در معرض دید قرار دارند، احتمال وقوع بزهکاری کمتر می‌شود. می‌توان امکان نظارت پیشتری را از طریق طراحی ماهرانه محیط فیزیکی و تعیین محل و ترتیب قرار گرفتن ساختمان‌ها و فضای اطراف آن فراهم آورد (میرخیلی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

معماری و طراحی فضا از جمله ابزارهایی است که می‌توان از آن، برای نظارت و مراقبت طبیعی استفاده کرد. فضاهای باید طوری طراحی شوند که توسط ساکنان، همسایه‌ها و رهگذران، قابل روئیت باشند. برای مثال، نور مناسب به رهگذران، ساکنان و مردم کمک می‌کند که به‌خوبی همه‌جا را ببینند و بر آن نظارت داشته باشند.

بنابراین با توجه به این نوع مراقبت می‌توان به‌طور طبیعی، از اقدام‌های موقعیت‌مدار برای جلوگیری از وقوع جرم استفاده کرد. برای نمونه، روشن کردن خیابان‌ها در شب، این امکان را برای رهگذران فراهم می‌کند تا بر فعالیت‌ها و رفت‌وآمد خیابان نظارت داشته باشند یا کوتاه کردن درختچه‌ها در بلوارها، سبب نظارت مردم بر این مکان‌ها می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۹۸). پس با ازبین بردن نقاط کور و غیرقابل دید، افزایش مکان‌های قابل دید، وجود درهای ورودی و خروجی مشخص و قابل دید و

دهد و هم می‌تواند مانع برای آن باشد. پس باید از محیط به عنوان روشی برای پیش‌گیری از جرم استفاده کرد و بهره جست. پیش‌گیری از طریق طراحی محیطی تلاش می‌کند تا با استفاده بهینه و برنامه‌ریزی شده از فضاهای، در راستای پیش‌گیری از جرم گام بردارد و به همین منظور، برنامه‌های کاربری اراضی را در دستورکار خود قرار داده است. این برنامه‌ها قصد دارند تا از طریق طراحی مناسبِ فضا، شرایط را برای ارتکاب جرم مجرمان سخت‌تر و این شرایط را با نظارت مستمر و مناسب بر روی مجرمان بالقوه فراهم کنند (شرفتی و عبدی، ۱۳۸۹: ۳۰۵). برخی از جرم‌شناسان روشی را مورد توجه قرار داده‌اند که می‌توان از طریق طراحی ساختمان‌ها و معماری، بر میزان جرم تأثیر گذاشت. این قبیل نظریات راجع به ساختمان‌ها و طراحی آن‌ها، ابتدا توسط نیومن مطرح شد. وی ساختمان‌هایی را که به صورت مجتمع ساخته شده بودند را مورد انتقاد قرار داد و بر این عقیده بود که این ساختمان‌ها به‌خاطر داشتن ورودی و خروجی‌های زیاد و فضاهای کنترل‌نشده، نسبت به دیگر ساختمان‌ها آسیب‌پذیرترند. پیش‌گیری مبتنی بر تغییر محیط فیزیکی (پیش‌گیری محیطی)، بر این واقیت استوار است که از طریق تجدید آرایش ساختار فیزیکی‌ای که جرم در آن به وقوع می‌یابند، به‌منظور جلوگیری یا دشوار نمودن وقوع جرم، پیش‌گیری از وقوع جرم صورت گیرد (میرخیلی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). افزایش میزان روشنایی خیابان‌ها، کاهش فضاهای غیرقابل دید، کاهش موقعیت‌های اختفای بزهکار، طراحی ساختمان‌ها به‌گونه‌ای که داخل و خارج منطقه از طریق پنجره و سایر نقاط قابل دیدن باشند نمونه‌هایی از این تدبیر پیش‌گیری هستند.

رعایت نکات ایمنی در ساخت‌وسازها خیلی مهم است. اگر منازل در شهرها به‌گونه‌ای ساخته شوند که برای ورود به آپارتمان‌ها، عبور از جایگاه سرایدار ضروری باشد، خیلی از سرقت‌ها و دیگر جرائم اتفاق نخواهد افتاد (میرخیلی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). با توجه به این که زنان در معرض جرائمی مثل تجاوز به عنف، سرقت و زورگیری هستند، پیش‌گیری محیطی در کاهش میزان بزه‌دیدگی آنان خیلی مؤثر است. این نوع پیش‌گیری به‌دلیل این که اهمیت را از سوی مجرم، به سمت محیط می‌برد مهم است. مجرم قبل از ارتکاب جرم، میزان ریسک و هزینه جرم و نفع حاصل از آن را می‌سنجد و بعد دست به ارتکاب جرم می‌زند. پس باید محیط را به‌گونه‌ای

می‌باید. نصب قفل و وسایل امنیتی، بردن آماج‌های در معرض خطر به مکان‌های امن‌تر، کنترل دسترسی و امثال آن جزو این تدابیر هستند (میرخیلی، ۱۳۸۸: ۱۹۶). حفاظت از آماج‌ها، دستاوردهای موردنظر از جرم را کاهش می‌دهد و ارتکاب رفتار مجرمانه را دشوار و ناممکن می‌سازد. بنابراین می‌توان از طریق پیش‌گیری محیطی، بزه‌دیدگان بالقوه را تقویت کرد و ارتکاب جرم نسبت‌به آنان را کاهش داد. علاوه‌بر موارد مذکور، زنان، خود نیز می‌توانند با به کارگیری تدابیری مثل عدم تردد در مکان‌های خلوت در ساعت‌های تاریکی شب و عدم استفاده از پوشش‌های تحریک‌کننده، از خود محافظت کنند. البته تدابیر پیش‌گیری محیطی اغلب در کنار هم مؤثر هستند. برای مثال، زمانی که از آماج‌ها محافظت نشود، نظارت و کنترل ناکارآمد خواهد بود.

نتیجه‌گیری

زنان جزو بزه‌دیدگان بالقوه آسیب‌پذیر هستند و بهدلیل دارا بودن شرایط خاص، بیش از سایر افراد، در معرض خشونت و بزه‌دیدگی قرار دارند. خشونت، بهمنزله پدیده مجرمانه، آسیب‌های بدنی، روانی و درد و رنج عاطفی متعددی را برای زنان بزه‌دیده به همراه می‌آورد که نه تنها سلامت جسمی و تعادل روانی آنان را به مخاطره می‌اندازد، بلکه در سطح وسیع تر و در جوامع ملی و فراملی نیز باعث تحمیل هزینه‌های سنگینی برای درمان پزشکی و بهداشت روانی و بهبود این آسیب‌ها بر اقتصاد کشورها می‌شود. سبک و شیوه زندگی زنان عاملی برای تجربه کردن خشونت است. سبک زندگی بعضی از زنان، مثلاً زنانی که بیشتر از دیگران، در بیرون از خانه هستند یا در مجاورت با بزهکاران هستند، آنان را بیشتر در معرض خشونت قرار می‌دهد. همچنین است فعالیت روزانه زنان که آنان را در معرض بزه‌دیده واقع شدن قرار می‌دهد. احتمال بزه‌دیدگی زنانی که به دست‌فروشی و رمالی مشغول هستند و همچنین زنان خیابانی بیشتر از سایرین است. تلاش برای اصلاح سبک زندگی زنان و حمایت از آنان، از جمله تدابیر دیگری است که در جلوگیری از اعمال خشونت نسبت‌به زنان مؤثر است. کاهش حضور در مکان‌های جرم‌زا، یکی از روش‌های دیگر جلوگیری از وقوع جرم است. بعضی مکان‌ها، از جمله خیابان‌های تاریک، حاشیه شهرها و ساختمان‌های متروکه، زمینه و فرصت مناسب برای بزه‌دیدگی را مهیا می‌سازند که می‌توان با خودداری از رفت‌وآمد به این مکان‌ها، جلو این بزه‌دیدگی را گرفت. یکی از

افزایش روشنایی‌ها می‌توان گونه‌ای طبیعی از نظارت را ایجاد کرد. آمار برخی جرائم نشان‌دهنده این است که میزان ارتکاب آن‌ها در زمستان بیشتر است. علت افزایش جرائم تا حدی به مدت‌های طولانی تاریکی در این ماه‌ها برمی‌گردد. در یک تحقیق، پس از آن که نور خیابان‌های یک منطقه را چهار برابر بیشتر کردند، مشاهده شد که میزان جرم بیش از سیزده برابر کاهش یافت (رحمت، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

ب- حفاظت از ورودی‌ها و خروجی‌ها

ورود و خروج کسانی که در یک مجموعه مکانی وارد یا از آن خارج می‌شوند باید طبق مقررات انجام شود؛ یعنی به افراد مجاز به ورود، اجازه ورود داده می‌شود و از ورود افراد مزاحم و متجاوز ممانعت می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۱۴). برای کنترل ورودی و خروجی می‌توان از راههای متنوعی استفاده کرد. در مجموعه‌های مسکونی، برای کنترل ورودی می‌توان از نصب دوربین‌های مداربسته، حضور دربان و سیستم ورود با کارت استفاده کرد. حصار، استقرار نگهبان، شماره‌گذاری و علامت‌گذاری وسایل، برچسب‌های الکترونیکی، کد یا رمز عبور و نصب دروازه‌های مغناطیسی نیز گونه‌هایی از کنترل هستند. کنترل ورودی‌ها شامل استفاده از برخی موانع فیزیکی یا نمادین است که بیان‌گر یک نوع محدودیت برای ورود برخی از افراد است. چنین موانعی ممکن است نمادین (دیوارهای کوتاه، وجود چشم‌انداز کافی) یا واقعی (دیوارهای بلند و درها) باشند و به یک خانواده یا تمامی ساکنین اختصاص داده شده باشند به یک خانواده یا تمامی ساکنین اختصاص داده شده باشند (رحمت، ۱۳۸۸: ۱۶۶). ایجاد این تنوع کنترل‌ها فعالیت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهد. در مکان‌هایی که این نشانه‌های واقعی یا نمادین تحدید‌کننده وجود ندارد، میزان وقوع جرم بیشتر می‌شود.

ج- افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم

افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم باعث می‌شود ارتکاب جرم برای مجرمان سخت‌تر شود و خطر و ریسک ناشی از آن بیشتر گردد. آماج‌های حفاظت‌نشده علاوه‌بر جلب مجرمان حرفه‌ای، مجرمان غیرحرفه‌ای و اشخاص دارای زمینه مجرمانه را نیز به خود جلب می‌کنند. هر بخش از تدابیر پیش‌گیری ناظر به نوع خاصی از جرم است، از جمله محافظت و سخت کردن آماج‌ها در یک روش نسبتاً منظم و دائمی، که تلاش مجرم یا خطر ارتکاب جرم افزایش و منافع و نتایج حاصل از آن کاهش

خانه‌داری و حضور در اجتماع را ایفا می‌کنند و این جایگاه و موقعیت زنان لزوم حمایت ویژه‌ای را نسبت به آنان ایجاد می‌کند. خشونت علیه زنان و بزهديده واقع شدن آنان، به‌دلیل نقش‌های چندگانه زنان در خانواده و جامعه، علاوه‌بر آثار مخبری که بر زنان دارد، می‌تواند کل اعضای خانواده و حتی جامعه را درگیر کند. اگرچه میزان بزهکاری و بزهديده زنان نسبت به مردان کمتر است، اما به‌دلیل وجود برخی ویژگی‌ها در زنان، میزان بزهديده زنان در بعضی جرائم بیشتر است.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

سهم نویسندها: نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسندها صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). *جرائم‌شناسی پیش‌گیری*. تهران: نشر میزان.
- احمدی، محمدحسین. (۱۳۸۷). نقش زنان پلیس در پیش‌گیری از جرائم (با رویکرد بزهديده کودکان و زنان). *پلیس زن*, ش. ۵.
- اردبیلی، محمدمعلی. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی جنایی* [جزوه درسی]. تهران: دانشگاه آزاد (واحد تهران مرکزی).
- اشراقی، محمد. (۱۳۸۵). *نگاهی جامعه‌شناختری به پدیده خشونت علیه زنان*. علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، سال اول، (۲).
- بونی اس. فیشر؛ استیون، پی. لب. *دانشنامه بزهديده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم* (ج ۱) (مترجمان: اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی از سراسر کشور، زیر نظر دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: نشر میزان.

راهکارهای مفید در این زمینه، ایجاد مراکز پلیس ویژه زنان و آموزش پلیس‌های زن است. در بسیاری از جوامع، افکاری مردسالارانه حاکم است که این مسئله می‌تواند مانع برای حمایت‌های پیش‌گیرانه از زنان باشد. از آنجا که در بیشتر مواقع، زنان بزهديده نمی‌توانند بزهديده‌گی خود (به‌ویژه در خشونت‌های جنسی و مسائل مربوط به با آن) را با پلیس‌های مرد در میان بگذارند و مردان پلیس نیز نمی‌توانند زنان را به‌خوبی درک کنند و با آن‌ها هم‌دردی کنند و برخورد شایسته‌ای داشته باشند، استفاده از پلیس زن می‌تواند راه حل مناسبی برای جلوگیری از بزهديده‌گی مجدد زنان باشد. زنان پلیس به‌دلیل هم‌جنس بودن می‌توانند هم‌دردی بیشتری با زنان بزهديده خشونت داشته باشند. بنابراین به کارگیری پلیس زن معهده و متخصص به جلوگیری از جرائم علیه زنان منجر می‌شود. ایجاد مراکز اشتغال خاص زنان نیز راهکار مفید دیگری است. بسیاری از موارد بزهديده‌گی زنان در محیط شغلی آنان به‌وقوع می‌پیوندد و زنان در برخی موارد، در مکان‌های کاری، انواع خشونت‌ها (مثل خشونت‌های جسمی و جنسی) را تجربه می‌کنند و حتی ممکن است برای رهایی از این خشونت‌ها، از شغل خود کناره‌گیری کنند. ایجاد محیط‌های شغلی مناسب برای زنان، که بر آن، نظرارت مناسب و کافی وجود داشته باشد و در آن، امنیت زنان تأمین شود، راهکار مناسبی است. اقدامات پیش‌گیرانه تنها راه کاهش خشونت علیه زنان نیستند و تدابیر و اقدامات پیش‌گیری به‌نهایی برای حمایت از زنان کارآمد نیستند. بنابراین باید از تدابیر حمایتی دیگری نیز به عنوان روشی مکمل در کنار سایر پیش‌گیری‌ها سود جست. تلاش برای کاهش فرصت‌های مجرمانه و حذف یا تغییر وضعیت‌های مساعد ارتکاب جرم، در کنار اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ‌سازی در جامعه مؤثر خواهد بود. پس ابتدا باید شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... اصلاح شوند و پس از آن، با به کارگیری تدابیر پیش‌گیرانه می‌توان گام‌های مؤثری در جهت حمایت از زنان برداشت. براساس یافته‌های جرم‌شناختری و بزهديده‌شناختری، زنان همواره از اقتدار آسیب‌پذیر جامعه هستند که به‌دلیل ویژگی‌های خاص زیستی، روانی و اجتماعی، از جمله ضعف جسمی، ناتوانی و سایر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، بیشتر از دیگران، در معرض خشونت هستند. به همین دلیل، این گروه آسیب‌پذیر نیازمند حمایت ویژه جهانی هستند. زنان هم‌زمان نقش مادری،

- کار، مهرانگیز. (۱۳۸۱). پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- گسن، ریمون. (۲۰۰۲). تحول سیاست پیش‌گیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب‌نامه قانونی (ترجمه شهرام ابراهیمی). (۴۸ و ۴۹).
- لوین، لیا. (۱۳۷۷). پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر (ترجمه محمد جعفر پوینده). تهران: نشر قطره.
- معتمدی مهر، مهدی. (۱۳۸۰). حمایت زنان دربرابر خشونت، سیاست جنایی انگلستان (ج ۱). تهران: نشر برگ زیتون.
- معظمی، شهلا. (۱۳۸۳). حمایت از زنان در برابر خشونت‌های خانگی. رفاه/جتماعی، (۱۳).
- معین، محمد. (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی. تهران: نشر ساحل.
- مولاوردی، شهیندخت. (۱۳۷۹). گزارشی از نخستین کارگاه آموزشی خشونت علیه زنان. حقوق زنان، (۱۶).
- مهرا، نسرین. (۱۳۸۳). زن و حقوق کیفری (مجموعه مقالات، نتایج کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری گذشته، حال، آینده). تهران: نشر سلسیل.
- میرخیلی، سید محمود. (۱۳۸۸). پیش‌گیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. (۱۳۸۴). تقریرات جامعه‌شناسی جنایی [جزوه درسی]. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۶). بزهکاری به عادت، از علم‌شناسی تا پیش‌گیری. تهران: نشر فکرسازان.
- ب. منابع انگلیسی**
- Clarke, Ronald. (1989). *Theoretical Back Ground To Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) and Situational Prevention*. Sydney: Australian Institute of Criminology.
 - Feinmann, C. (1986). *Women in the Criminal Justic System*. New York: Praeger.
 - رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۳). رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیش‌گیری از جرم. مجله حقوقی دادگستر، (۴۸ و ۴۹).
 - رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). بزهکاری شناسی حمایتی. تهران: نشر دادگستر.
 - رایجیان اصلی، مهرداد؛ صادقی، ولی‌الله. (۱۳۹۲). پیش‌گیری مبتنی بر توسعه فرهنگی. مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال هشتم، (۲۸).
 - رجبی، ابراهیم. (۱۳۹۰). پلیس زن و حقوق شهروندی زنان بزهکار و بزهکاری در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان. فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، (۲۱).
 - رحمت، محمدرضا. (۱۳۸۸). پیش‌گیری از جرم از طریق عماری و شهرسازی. تهران: نشر میزان.
 - رنجبران، قاسم؛ دیبرزاده، الهه. (۱۳۹۰). خشونت بر زنان در قوانین کیفری ایران و اسناد بین‌المللی. تهران: نشر فرهنگ‌شناسی.
 - سلیمی، علی؛ داوری، محمد. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجری. تهران: نشر حوزه و دانشگاه.
 - شایگان، فریبا. (۱۳۸۲). مبانی و اصول به کارگیری پلیس زن. فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، (۳).
 - شرافتی، جعفر؛ عبدی، نرگس. (۱۳۸۹). پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی (مجموعه مقالات ارسالی به نخستین همایش ملی پیش‌گیری از جرم). تهران: نشر میزان.
 - صفاری، علی. (۱۳۸۰). مبانی نظری پیش‌گیری از وقوع جرم. مجله تحقیقات حقوقی، (۳۳ و ۳۴).
 - علاسوند، فریبا. (۱۳۹۱). روسپی‌گر، واقعیت‌ها و بایدها (مجموعه مقالات نظام اسلام و مسأله روسپی‌گری). قم: نشر دفتر تحقیقات و مطالعات زنان.
 - غافلی، مدینه. (۱۳۸۹). بررسی پیش‌گیری از بزهکاری زنان با تأکید بر دیدگاه‌های اسلامی. پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

- Heidensolin, I. (1992). Women in Control & the Role of Women in Law Enforcement. *Oxford Clarendon Press*.
- Heise, Lorl. (1994). Violence against Women, the Hidden Health, Burden. *The World Bank Discudion Paper*, (255)
- McLaughlin, Fugene; Muncie, John. (1996). *Controlling Crime*. Hestage Publication.
- Painer, K. (1985). Lightning and Crime Prevention. The Demonton Project, Middlesex Polytechnic. Center for criminology.
- Pimentel, S. (1985). *Brazilian Case Study*.



Journal of

Contemporary Legal Thought

www.lthjournal.ir



Volume 2, Issue 2, 2021

National and International Criminological Solutions in Reducing Criminal Situations against Female Victims

Shahla Golparvar^{*1}, Mohammad Nabipour², Hassan Hajitabar³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of LawAzad University, Ayatollah Amoli Branch

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, North Amol University, Amol, Iran.

3. Assistant Professor of Law, Faculty of Law, Ghaemshahr Branch of Azad University, Amol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 19-31

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: Shahla_golparvar@yahoo.com

Article history:

Received: 10 Apr 2021

Revised: 25 May 2021

Accepted: 09 Jun 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Women, Actions,
Victimization,
Criminology,
Violence.

ABSTRACT

The rise of crime and violence against women and girls around the world has attracted the attention and sensitivity of governments and international organizations. Policymakers and decision-makers at the macro level can play a major role in preventing violence against women and eliminating criminals. Opening a landline for 24-hour access to women victims of violence, increasing the presence of social workers in police stations, increasing social emergency powers are measures that can be effective in reducing violence and crime against women. The contents of this research are through the study of existing books (library method) that have been collected in this field and also the descriptive-analytical research method. Findings: Increasing the rate of violence against women due to its negative and lasting effects on the psyche of abused women and also the important and key role of women in the family and society, the need to use measures and supportive measures against women. Results: Based on the criminological and victimological findings, the adoption of criminal preventive measures will reduce violence against women. Efforts to reduce criminal opportunities and eliminate favorable conditions for crime will be effective along with the reform of social, economic and cultural structures.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Golparvar, SH., Nabipour, M & Hajitabar H (2021). "National and International Criminological Solutions in Reducing Criminal Situations against female Victims". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 2(2): 19-31.